

Establishment of the Step of Laying charges in Iranian Law with a Glance at English Law (from Requirements to Providing an Appropriate Model)

Adnan Omranifar

(corresponding author), Graduated with a specialized doctorate in criminal law and criminology from Tehran University. Tehran, Iran. Email: Omrani.far@ut.ac.ir

Mehdi Shidaiyan

Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran. Tehran, Iran. Email: m_shidaeian@ut.ac.ir

Hassan Alipour

Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran. Tehran, Iran. Email: hassan.alipour@ut.ac.ir

Received: 2024-07-15

Accepted: 2024-10-08



Abstract

Laying Charges, as the first step of the criminal process, and referred to as the gate of the criminal justice system, has no room in Iranian law. While it has proven to be effective in countries, such as England, that have a common law system, and in addition to filtering the cases that enter the criminal process, upon suspicion that a crime may have been committed, a police officer or prosecutor has the discretionary power to either close the case at this step or refer the case to the next step, i.e. the step of prosecution and investigation; Therefore, establishment of this step in Iranian law, in the absence of the necessary requirements and provision of an appropriate model, and without sufficient attention to scientific and systematic mechanisms and careful consideration, would not only prove fruitless and fail to achieve the goals of criminal law in establishment of the aforementioned institution, but would face certain defeat.

Journal of Research and
Development in Comparative Law

Iranian Law and Legal Research
Institute

Vol. 7 | No. 24 | Autumn 2024
(Original Article)

www.jcl.illrc.ac.ir

DOI:

[10.22034/law.2024.2035683.1415](https://doi.org/10.22034/law.2024.2035683.1415)


In the meantime, many criminologists today seek to introduce preventive solutions to crime by presenting modern criminological schools and ideas and provide grounds for its prevention. However, unfortunately, sometimes the criminal justice system itself, disregarding the importance of the step of laying charges and without clear bases, brings people into the criminal justice process, and this action alone may destroy the efforts of criminal law thinkers. The current research, employing a descriptive-analytical method, following an examination of the subject of the research in a comparative manner, considers the main requirements of the step of laying charges to include the scope of the amount of punishment; measuring the degree of judicial importance and taking into consideration individual-biological and social-personality factors, and to implement the laying charges in an appropriate model in Iranian law, regardless of the leaning of the judicial system towards the accusatory system at the step of the prosecutor's office, proposes measures that include consideration of the legal, systematic, rehabilitation, laying charges and conviction capability.


KeyWords: *laying charges, gate of criminal justice, ability to convict, common law, appropriate model.*




Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International

تأسیس مرحله «ایرادِ اتهام» در حقوق ایران با نگاهی به حقوق انگلستان (از ملزومات تا ارائه مدل مطلوب)

دانش آموخته دکتری تخصصی حقوق کیفری و جرم‌شناسی از دانشگاه تهران. تهران، ایران. (نویسنده مسئول) | **عدنان عمرانی فر** 
Omrani.far@ut.ac.ir

دانشیار، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. تهران، ایران. | **مهدی شیداایان** 
m_sheidaeian@ut.ac.ir

استادیار، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. تهران، ایران. | **حسن عالی پور** 
hassan.alipour@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۲۵ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۷



فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی
پژوهشکده حقوق و قانون ایران

دوره ۷ | شماره ۲۴ | پاییز ۱۴۰۳
(مقاله پژوهشی)
www.jcl.illrc.ac.ir

DOI:
[10.22034/law.2024.2035683.1415](https://doi.org/10.22034/law.2024.2035683.1415)

چکیده

ایراد اتهام؛ به عنوان اولین مرحله از فرایند کیفری که از آن به عنوان دروازه عدالت کیفری یاد می‌شود، در حقوق ایران جایگاهی ندارد در حالی که مرحله مذکور توانسته در حقوق کشورهای دیگر دارای نظام کامن‌لا هستند از جمله انگلستان، مؤثر واقع شود و علاوه بر پالایش ورودی فرایند کیفری، وظیفه دارد در فرض ارتکاب جرم توسط اشخاص، بر حسب تشخیص، پرونده را در مرحله ایراد اتهام با تصمیم قضایی مختومه یا برای مرحله بعد، یعنی تعقیب و رسیدگی ارجاع دهد؛ بنابراین تأسیس این مرحله در حقوق ایران، به دور از ملزومات و ارائه یک مدل مطلوب و فقدان توجه به ساز و کارهای علمی و نظام‌مند و بررسی دقیق، نه تنها مثمر ثمر نیست و اهداف حقوق کیفری از تأسیس نهاد مذکور را برآورده نخواهد کرد، بلکه شکست حتمی است.

در این میان، بسیاری از جرم‌شناسان، امروزه درصدداند تا با ارائه مکاتب و اندیشه‌های نوین جرم‌شناختی، راهکارهای پیشگیرانه از جرم را معرفی و موجبات پیشگیری از آن را فراهم نمایند. اما متأسفانه گاهی خود دستگاه عدالت کیفری بدون توجه به اهمیت مرحله ایراد اتهام و بدون مبانی روشن، افراد را وارد فرایند کیفری و درگیر اتهامات می‌کند درحالی‌که همین‌مقدار، می‌تواند تلاش‌های اندیشمندان حقوق کیفری را از بین ببرد. پژوهش حاضر که با روش توصیفی- تحلیلی تدوین یافته است، بعد از بررسی موضوع پژوهش به طور تطبیقی، عمده ملزومات تأسیس مرحله ایراد اتهام را شامل؛ دامنه کیفر با میزان مشخص؛ اهمیت‌سنجی قضایی؛ توجه به فاکتورهای فردی- زیستی و توجه به فاکتورهای شخصیتی- اجتماعی دانسته و برای پیاده سازی ایراد اتهام در یک مدل مطلوب در حقوق ایران، صرف نظر از گردش نظام دادرسی به سمت اتهامی در مرحله دادرسی، مواردی شامل؛ توجه به قابلیت حقوقی ایراد اتهام؛ توجه به قابلیت سیستمی ایراد اتهام؛ توجه به قابلیت توان بخشی ایراد اتهام و توجه به قابلیت محکومیت ایراد اتهام، ارائه نموده است.

کلیدواژه‌ها: ایراد اتهام، دروازه عدالت کیفری، قابلیت محکومیت، کامن لا، مدل مطلوب.



Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International

مقدمه

«ایراد اتهام»^۱ از جمله اصطلاحات نوظهور در ادبیات حقوق کیفری است که در نظام کیفری اکثر کشورها به عنوان مرحله‌ای مهم از فرایند کیفری، کمتر بدان پرداخته شده است. جرج پاولیچ^۲ به عنوان اولین پژوهشگر در این حوزه در تعریف ایراد اتهام یا اتهام زدن در کتاب معروف خود تحت عنوان «اتهام کیفری»^۳ اذعان می‌دارد: «ایراد اتهام حالتی است که فرد با نوعی عنوان کیفری وارد فرایند کیفری شده و تعقیب با آن آغاز می‌شود» (Pavlich, 2018: 46). در این مفهوم نوظهور از ایراد اتهام به عنوان دروازه عدالت کیفری نام برده شده است (Ibid:47). در واقع ایراد اتهام حالتی است که در آن پلیس و یا دادستان با توجه به اختیاراتی که قانون به آنها واگذار نموده است با بررسی نوع جرم و ادله موجود تصمیم می‌گیرند که برچسب اتهام را به متهم وارد کنند یا خیر. از این رو به طور اختصار و بر اساس نظر نویسندگان مقاله پیش رو؛ ایراد اتهام وضعیتی است که دستگاه عدالت کیفری با توجه به دلایل اتهامی و نوع جرم تصمیم می‌گیرد که، فرایند کیفری را علیه شخصی آغاز نموده یا از آن صرف نظر کند. مرحله ایراد اتهام تا حد زیادی به دلیل تفتیشی بودن نظام کیفری ایران، در مرحله دادرسی جایگاهی ندارد و دادستان با دریافت گزارش جرم و یا رأساً مکلف به آغاز تعقیب بر اساس اصل الزامی بدون تعقیب کیفری است. اما در کنار همه این موارد، مرحله ایراد اتهام در حقوق انگلستان دستاوردهای مثبتی در پالایش پرونده‌های کیفری برای هدفمند نمودن وقت و هزینه و همچنین بررسی منافع و مزایای رسیدگی به یک پرونده کیفری به دست آورده که زمینه‌های امکان‌سنجی تأسیس نهاد مذکور در حقوق ایران و در نهایت آغاز پژوهش مذکور را ایجاد نموده است. این موضوع

1. Accusation.

2. George Pavlich.

3. Criminal charge.

بسیار حائز اهمیت است تا روشن شود؛ ایرادِ اتهام به عنوان دروازهٔ عدالتِ کیفری، در فرض تأسیس در حقوق ایران نیازمند چه ملزوماتی است زیرا در صورتی که موارد ضروری شناخته شده در مرحله ایرادِ اتهام، با یک مدل مطلوب همراه نشود، زمینه‌های ناعدالتی، ورود پرونده‌های بی‌رویه، هزینه تراشی، سلب توان نیروی انسانی و در نهایت فلج شدن سیستم عدالت کیفری را در پی خواهد داشت. پیشینهٔ پژوهش در مقولهٔ ایرادِ اتهام، به طور مستقیم سابقه‌ای را نشان نمی‌دهد به این دلیل که در حقوق ایران کمتر به مرحلهٔ ایرادِ اتهام پرداخته شده و به نوعی پژوهش در این حوزه کمتر به چشم می‌خورد و ادبیات پژوهش از این حیث دارای نوآوری است. در پژوهش حاضر نویسندگان قصد دارند ضمن ابهام‌زدایی از موضوع بحث، به سؤال‌های مطرح شده در این پژوهش پاسخ دهند. اصلی‌ترین سؤال این است که ملزومات تأسیس نهاد ایرادِ اتهام چیست؟ همچنین؛ ایرادِ اتهام در یک مدل مطلوب با توجه به حقوق انگلستان واجد چه شاخصه‌هایی است؟ برای یافتن پاسخ، لازم است تا پژوهش از یک چارچوب نظری نظام‌مند پیروی نماید. از این رو بعد از گذار از مقدمهٔ بحث، پژوهش به دو فصل کلی تقسیم می‌گردد که در ذیل فصل اول، تحت عنوان ملزوماتِ ایرادِ اتهام، به ترتیب: (۱) دامنهٔ کیفر با میزان مشخص جهت ایرادِ اتهام؛ (۲) اهمیت‌سنجی قضایی جهت ایرادِ اتهام؛ (۳) توجه به فاکتورهای فردی- زیستی در زمان ایرادِ اتهام؛ (۴) توجه به فاکتورهای شخصیتی- اجتماعی در زمان ایرادِ اتهام و در نهایت در ذیل فصل دوم، تحت عنوان ایرادِ اتهام در یک مدل مطلوب، (۱) توجه به قابلیت حقوقی ایرادِ اتهام؛ (۲) توجه به قابلیت سیستمی ایرادِ اتهام؛ (۳) توجه به قابلیت توان بخشی ایرادِ اتهام؛ (۴) توجه به قابلیت محکومیت ایرادِ اتهام در چهار مبحث جداگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت.

۱. ملزومات تأسیس مرحله ایراد اتهام

ذیل این فصل، نویسندگان در چهار مبحث جداگانه، ملزومات تأسیس ایراد اتهام را شناسایی می‌نمایند.

۱-۱. دامنه کیفر با میزان مشخص، جهت ایراد اتهام

از جمله ملزوماتی که در این قسمت نویسندگان آن را برای تعبیه مرحله ایراد اتهام در حقوق ایران شناسایی می‌نمایند دامنه کیفر با میزان مشخص، جهت ایراد اتهام است با این توضیح که، مسئولین قضایی در بحث ایراد اتهام در خصوص توجه به جرم (از بُعد میزان کیفر) تا چه حد می‌توانند اختیار عمل داشته باشند یا به عبارتی مسئولین قضایی در رویارویی با جرائم خرد و کلان در بحث ایراد اتهام چطور باید رفتار نمایند؟ آیا می‌توانند از ایراد اتهام نسبت به جرائم کلان بگذرند یا صرفاً در خصوص جرائم خرد این بحث مطرح است؟ یکی از موضوعاتی که به نظر می‌رسد در حقوق کیفری جایگاه بحث بسیاری در آن وجود دارد بحث این است مسئولین قضایی زمانی که با جرائم کم اهمیت^۱ روبرو می‌شوند نباید واکنش‌های شدیدی نشان دهند البته این موضوع به معنی چشم پوشی از رفتار بزهکارانه نیست بلکه منظور و مطلق ایراد اتهام و مقصود این است که برچسب اتهامی به فرد زده نشود و حسب مورد موضوع در مرحله ابتدایی به جای قرار یا حکم با تصمیم قضایی متناسب حل و فصل شود. برای نمونه اگر فردی بدون گواهینامه مبادرت به رانندگی می‌نماید، رسیدگی همه جانبه در فرایند کیفری تحت عنوان رانندگی بدون پروانه^۲ ضروری

1. Minor crimes.

۲. برابر با ماده ۷۲۳ قانون تعزیرات اسلامی^۱ هر کس بدون گواهینامه رسمی اقدام به رانندگی و یا تصدی وسایل موتوری که مستلزم داشتن گواهینامه مخصوص است، بنماید و همچنین هر کس که به موجب حکم دادگاه از رانندگی وسایل نقلیه موتوری ممنوع باشد به رانندگی وسایل مزبور مبادرت ورزد، برای بار اول به حبس تعزیری تا دو ماه یا جزای نقدی تا یک میلیون ریال و یا هر دو مجازات و در صورت ارتکاب مجدد به دو ماه تا شش ماه حبس محکوم خواهد شد.

نیست، بلکه صرفاً با تصمیم قضایی در مرحله ایراد اتهام، می‌توان پرونده را مختومه کرد. (نوری و آقایی، ۱۴۰۲: ۱۴۹) در برخی از کشورها، آغاز پروسه کیفری (ایراد اتهام) را محدود به جرایمی کرده‌اند که میزان مشخصی از کیفر برای آن پیش‌بینی شده باشد. مثلاً این اختیار منحصر به رفتارهای مجرمانه‌ای می‌شود که مجازات آن تا شش ماه حبس است. در این صورت زمینه اعمال تصمیم قضایی در مرحله ایراد اتهام، صرفاً برای مجرمیت‌های کم‌اهمیتی است که به منظور رهایی ادارات دادسرا از تراکم حجم پرونده‌های وارده، و همچنین برچسب بزهکاری مورد نظر قرار می‌گیرد. (شیداییان و نصرتی، ۱۳۹۷: ۱۷۴).

در حقوق کیفری ایران و بعد از تصویب قانون کاهش حبس تعزیری در سال ۱۳۹۹ به خوبی مشخص می‌شود که قانون‌گذار و کارگزاران دستگاه عدالت کیفری به این مهم رسیده‌اند که قرار نیست هر رفتار مجرمانه‌ای با حبس‌های طولانی مدت روبرو شود و شدت مجازات از وقوع بزهکاری جلوگیری نمی‌نماید. امروزه یافته‌های جدید جرم‌شناختی و علوم کیفری بر این امر تاکید می‌کنند که دستگاه عدالت کیفری باید از راهکارهای علمی مبارزه با بزهکاری استفاده نماید و صرف زندان و مجازات‌های مشابه در پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح و بازپروری نتوانسته موثر واقع شود. نتیجه این که اگر چه نشان داده شده است که سیستم عدالت کیفری متوجه عدم کارایی مجازات^۱ شده اما باز هم نتوانسته است آن طور که باید و شاید این موضوع را به مرحله ایراد اتهام تعمیم داده و اثرگذار جلوه نماید. به عبارتی در سیستم عدالت کیفری، نباید تنها خود سیستم ملاک عمل قرار بگیرد در حالی که به نظر می‌رسد، دستگاه عدالت کیفری، صرفاً به خاطر عدم ورود پرونده‌ها و همچنین کاهش هزینه‌های نگهداری زندانیان به کاهش مجازات‌ها رو آورده است. (مرادی، ۱۴۰۳: ۱۹۲). در حالی که باید در این رویه مرتکبین جرایم هم مورد نظر قرار گیرند با این پیش فرض که اگر قرار بر مجازات نشدن است باید چه تصمیماتی در راستای خنثی نمودن

1. Inactivity of punishment.

حالت خطرناک بزهکار نمود که هم وی را داخل در پروسه کیفری نکرد و هم مهمترین هدف حقوق کیفری که اصلاح و بازپروی است تأمین گردد. اخیراً بعضی از نظریه پردازان حقوق کیفری در ادبیاتی مرتبط از عنوان (حق بر مجازات نشدن)^۱ استفاده کرده اند. به نظر می رسد این حق نه صرفاً شامل مرحله دادرسی و اجرای مجازات بلکه می تواند مرحله ایراد اتهام را هم شامل شود. حق بر مجازات نشدن،^۲ یک «حق-ادعای منفی مقید» است که رویکرد طرفداران حقوق طبیعی، هستی آن را توجیه می کند. در صورتی که پوزیتیویست ها باورمند به وجود چنین حقی نمی باشند. چه بسا آن ها در جبهه مخالف، از حق بر مجازات شدن بزهکار و حتی از تکلیف بر مجازات کردن حکومت هم سخن می گویند. البته تعداد فیلسوفان موافق حق بر مجازات نشدن و ادله توجیهی شان کمتر از تعداد فیلسوفان مخالف آن است؛ اما همین دلایل موجه ساز اندک آن ها (موافقان)، با رویکرد حقوق طبیعی، نظریه های اخلاقی مجازات، مقوله کرامت انسانی، اصل حداقل بودن مجازات و واپسین راه حل بودن آن، هم خوانی بیشتری دارد. در کل مراد از حق بر مجازات نشدن، نه معنای هیچ گاه مجازات نشدن، بلکه به معنای اعمال تصمیمات- مجازات اصلاح گر، کرامت مدار، حداقلی و در موارد ضروری نسبت به بزهکار است. (عمرانی فر و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۲).

در انتها باید به این موضوع به عنوان جمع بندی اشاره نمود که اگر قرار باشد اختیار عمل در ایراد اتهام در ید مسئولین قضایی قرار گیرد بهتر است تا طیف جرایم مشخص شود که چه جرائمی می تواند در مرحله ایراد اتهام تبدیل به تصمیم قضایی گردد. برای نمونه در

1. The right not to be punished.

۲. حق بر مجازات نشدن در زمره حقوق پیشینی، طبیعی و بنیادین آدمی و از نوع «حق ادعای منفی مقید» است. کرامت انسانی، اصول فلسفی ضرر (منع اضرار به غیر) و مزاحمت به عنوان مبانی فلسفی و نظریه های فشار، رادیکال (انتقادی) و برچسب زنی از جمله مبانی جرم شناختی شکل گیری این حق اند که پشتوانه های فلسفی آن را با ارجاع به تحقیقات دیگر در علوم اجتماعی فهم پذیرتر و پذیرفتنی تر کرده است. بدیهی است که التفات به مفهوم و مبانی حق بر مجازات نشدن به صرفه جویی معقول در حقوق کیفری در هر دو حوزه جرم انگاری و کیفردهی می انجامد.

حقوق انگلستان در جرایم کم اهمیت در محله ایراد اتهام از «اخطار»^۱ استفاده می‌شود با این توضیح که فرد مظنون به جرم، بدون ارجاع به فرایند اصلی کیفری و کنکاش در وضعیت ارتکاب بزهکاری در وضعیت اخطار قرار می‌گیرد و در مورد عواقب تکرار جرم هشدارهای لازم به وی داده خواهد شد. در واقع اخطار ساده یک هشدار رسمی است که توسط پلیس در خصوص مرتکبان بزرگسال، در جرایم کم اهمیت صادر می‌شود و در نتیجه اخطار جای تعقیب را گرفته و از ارجاع پرونده به مراجع رسمی عدالت کیفری جلوگیری به عمل می‌آید (Jasch, 2010: 231). لازم به ذکر است که از سال ۲۰۱۵ مبانی قانونی برای اخطار ساده در نظر گرفته شد، در حالی که قبل از این پلیس می‌توانست در جرایم شدید هم از ایراد اتهام خودداری نماید درنهایت در وضعیت اخطار وفق قانون دادگاه‌ها و عدالت کیفری در سال ۲۰۱۵ میلادی صرفاً برای جرائمی که نیاز به کیفرخواست ندارد در نظر گرفته شد که به عبارتی همان جرایم کم اهمیت می‌باشد.

۱-۲. اهمیت‌سنجی قضایی جهت ایراد اتهام

اگر قرار باشد در حقوق کیفری ایران، ایراد اتهام مانند آنچه در حقوق انگلستان موجود است محقق گردد؛ می‌بایست اهمیت‌سنجی قضایی جهت ایراد اتهام صورت پذیرد. منظور از اهمیت‌سنجی قضایی، جهت ایراد اتهام این است که مسئولین و دست‌اندرکاران فرایند عدالت کیفری این موضوع را از خاطر بگذرانند که در فرض اینکه ایراد اتهام صورت گرفت و پرونده وارد پروسه کیفری اعم از دادسرا و سپس دادگاه شد در نهایت چه نتیجه‌ای از این ایراد اتهام اعم از فردی و اجتماعی حاصل می‌گردد. به عبارتی در یک محاسبه عقلانی منافع و مضرات این ایراد اتهام را مورد بررسی قرار دهند و در صورتی که مسئولین قضایی به این نتیجه رسیدند که منافع ایراد اتهام از ضررهای آن پیشی می‌گیرد، اقدام به ایراد

1. Warning.

اتهام نمایند. لازم به ذکر است که در همین زمینه ضروری است که به این موضوع اشاره نمود که در بسیاری از کشورهای دارای نظام کامن‌لا، ایرادِ اتهام از معیار اهمیت پرونده‌ها (مهم و ساده) سرچشمه می‌گیرد. با این توضیح که پرونده‌های مهم مورد توجه قرار گرفته و پرونده‌هایی که به طور ساده یا پیش پا افتاده تلقی می‌شوند از ایرادِ اتهام در امان خواهند بود. در حقوق کشور انگلستان مقامات قضایی در رویه پرونده‌هایی را که دارای نوعی پیچیدگی است و به عبارتی چندان مهم تلقی نمی‌شوند مورد ایرادِ اتهام قرار نداده زیرا چنین به نظر می‌رسد که بین وقت و نیروی انسانی که باید به این پرونده‌ها پرداخت شود تناسبی وجود ندارد و در نهایت فایده اجتماعی آن را توجیه نمی‌کند (گسن، ۱۳۸۸: ۲۹۷).

در حقوق انگلستان آینده‌نگری و نتیجه‌گرایی^۱ دو فاکتور اساسی در بحث ایرادِ اتهام می‌باشد به نوعی که قاضی در ابتدای ایرادِ اتهام باید این دو فاکتور را مورد ارزیابی قرار دهد و در صورتی که به اقناع رسید ایرادِ اتهام صورت گرفته و یا از آن صرف نظر می‌کند. قاضی در حقوق انگلستان می‌تواند به هر دلیلی که به تصمیم قضایی او مرتبط می‌شود استفاده کند و بر خلاف قضات سنتی می‌تواند انواع داده‌ها نظیر داده‌های جامعه‌شناختی، اقتصادی و سیاسی و سایر موارد را در تصمیم خود دخیل کند. این مبنا در حقوق انگلستان از شرط مربوط به مصلحت عمومی در ایرادِ اتهام استنباط می‌شود (Ashworth, 2004: 190). چرا که در نظام کشور انگلستان، اوضاع و احوال جرم ارتكابی، شدت جرم، موقعیت بزه‌دیده، منافع بزه‌دیده، و به صورت کلی منافع جامعه در ابتدای تصمیم برای ایرادِ اتهام مورد توجه قرار خواهد گرفت و این معیارها بر اساس دستورالعمل‌ها و آیین‌های خاصی از جمله آیین‌نامه‌های اجرایی قانون تعقیب جرایم ۱۹۸۵ و مجموعه قوانین دادستان‌های سلطنتی مشخص می‌شوند. لازم به ذکر است که در حقوق انگلستان

1. Foresight and result orientation.

در صورتی که اتهام در نهایت به یک مجازات خاص منجر شود مورد ایراد قرار می‌گیرد و و در غیر این صورت و در صورتی که مجازات جرم جزئی محسوب شده و خسارت وارده در نتیجه جرم ضعیف باشد ایراد اتهام صورت نخواهد گرفت. (Hoyle, 2000: 14) در همین راستا «تمرکز زدایی قضایی»^۱ یکی از مبانی اصلی در این زمینه می‌باشد. تمرکز زدایی قضایی نوعی سیاست جنایی مشارکتی- واکنشی است که در آن، مسئولین قضایی این اختیار را دارا میشوند تا حل و فصل جرایم کم اهمیت را به خارج از نظام عدالت کیفری رسمی محول نمایند و از جامعه مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد در این زمینه کمک بگیرند.

۱-۳. توجه به فاکتورهای فردی- زیستی در زمان ایراد اتهام

منظور از فاکتورهای فردی- زیستی همان وضعیت جسمانی و روانی مرتکب می‌باشد. این فاکتورها شامل وزن، قد، سن، سلامت جسمانی و از بعد روانی شامل سلامت روان، وضعیت بیماری‌های روانی همانند؛ افسردگی، دو شخصیتی، پارانوئید، اسکیزوفرنی،^۲ اسکیزوپیتال و سایر بیماری‌های شناخته شده و تاثیرگذار در رفتار افراد می‌باشد که به نظر می‌رسد که باید در فرض تأسیس مرحله ایراد اتهام و در راستای ایراد اتهام نظام‌مند بدان توجه شود. لازم به ذکر است که مسئولین قضایی در ابتدای ایراد اتهام، بهتر است به این موارد توجه کند و اعتقاد حاصل نمایند که قطعاً انسان‌ها از ویژگی‌های جسمانی و روانی متأثر می‌شوند چنانکه امروزه بسیاری از رفتارهای بزهکارانه از بعد خصیصه‌های بیولوژیکی جسمانی و روانی مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرند نرخ بالای بسیاری از خودکشی‌ها می‌تواند در اثر افسردگی حاصل شود و یا سوء ظن نسبت به نزدیکان می‌تواند از بیماری

1. Judicial decentralization.

۲. روان‌گسیختگی، اسکیزوفرنی یا شیذوفرنی به انگلیسی Schizophrenia: یک اختلال روانی است که با دوره‌های مداوم یا عودکننده روان‌پریشانه مشخص می‌شود. علائم اصلی شامل توهم (غالباً توهم شنیداری)، هذیان و اختلال تفکر است. علائم دیگر عبارتند از کناره‌گیری اجتماعی، کاهش ابراز عواطف و بی‌تفاوتی.

پارانوئید^۱ نشئت بگیرد. بنابراین بسیار حیاتی است که مسئولین قضایی در ابتدای ایرادِ اتهام، اشراف کامل به این دسته از مسائل داشته باشند. تمام این موارد، این موضوع را محرز می‌کند که شرایط زیستی و روانی افراد نیز باید مورد بررسی قرار گیرد. بر این اساس ترک پیگرد جزایی یا همان انصراف از ایرادِ اتهام نسبت به فرد، هنگامی می‌تواند دارای مبانی قابل توجیه باشد که زمینه‌های بزهکاری در فرد خفیف و به نحوی باشد که توسل به وسایل غیر کیفری یا به عبارتی زمینه‌های اصلاح و تربیت در فرد امکان پذیر باشد و در نهایت از لحاظ منطقی، مقام قضایی به این اغنا برسد که صرف نظر کردن از ایرادِ اتهام، منتهی به عدم تکرار جرم خواهد شد. بنابراین اگر فردی مرتکب تخلفاتی می‌شود می‌توان با توجه به شرایط با اخطار و نه ایرادِ اتهام موضوع را رفع و رجوع نمود. کما این که در دادگاهی در آمریکا پدری ۹۶ ساله که متهم به عبور از چراغ قرمز شده بود و به خاطر بیماری حاد فرزند و تسریع در رسیدن به بیمارستان از چراغ قرمز عبور کرده بود مورد مجازات قرار نگرفت و قاضی صرفاً به اخطار بسنده کرده و او را برای این که سلامت خانواده و مراقبت از فرزندان را در این سن در اولویت خویش قرار داده تقدیر نمود. بر اساس قسمت (d) از بخش ۴-۱۲) کد دادستان‌های سلطنتی در نظام حقوقی کشور انگلستان، ویژگی‌های مجرم از جمله سن و تأثیر مخرب داخل نمودن افراد در پروسه کیفری بر آینده او می‌تواند عاملی در عدم تعقیب کیفری متهم به حساب آید آنچنان که دادستان‌ها باید تعهدات برخاسته از کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ را در نظر داشته باشند: Cushing, 2014 (312) همچنین لازم به ذکر است در حقوق انگلستان، ایرادِ اتهام با توجه به معیار سن بسیار حائز اهمیت است با این توضیح که در جرایم کم اهمیت توسط کودکان و نوجوانان به جای

۱. بیماران مبتلا به اختلال شخصیت پارانوئید، اغلب به طور مشخصی شکاک و بی اعتماد به دیگران هستند. این افراد اغلب پرخاشگر، تحریک پذیر، بیش از اندازه حساس، حسود و یا عصبانی هستند و از قبول مسئولیت رفتارهای خود، شانه خالی کرده و اغلب مسئولیت را به گردن دیگران می‌اندازند. این افراد، ممکن است افرادی متعصب، دائمی در جستجوی نشانه‌های مغبون و در زندگی همسرانی با حسادت بیمارگونه یا افرادی بدعق و دعوایی باشند.

ایراد اتهام از اخطار (در بند قبلی در خصوص اخطار از نوع ساده و برای بزرگسالان توضیحاتی ارائه شده است) استفاده می‌گردد.

اخطار جوانان با ماده ۱۳۵ قانون معاضدت حقوقی ۲۰۱۲ ابداع و جایگزین توقیف و هشدار نهایی شده است. این اخطار مرتکب نسبت به مرتکبین ۱۰ تا ۱۷ سال اعمال می‌شود. اخطار جوانان بیشتر بعد حمایتی و رفاه‌گرایی کیفری دارد زیرا اولاً هدف از ایجاد آن ارائه یک پاسخ انعطاف پذیرتر و دور از ایراد اتهام است و ثانیاً سابقه محکومیت با توقیف و هشدار نهایی مانع از صدور این اخطار نیست. شرایط لازم برای این اخطار همان شرایط اخطار ساده است (در بند قبلی در خصوص آن توضیحاتی ارائه شد) با این تفاوت که در اخطار جوانان رضایت متهم شرط نیست، همانند اخطار ساده پلیس صرفاً در جرایم اختصاری یا دو وجهی حق صدور این اخطار را دارد. (مهراوردسرابی، ۱۴۰۰: ۱۲۸).

۱-۴. توجه به فاکتورهای شخصیتی - اجتماعی در زمان ایراد اتهام

ارتباط بین جایگاه اجتماعی و شخصیت اجتماعی را با ایراد اتهام نباید از خاطر دور داشت. از زمان‌هایی که دادگستری عمومی^۱ شکل گرفت. رفته رفته این موضوع پدیدار شد که دستگاه عدالت کیفری بیشتر از اینکه انگشت اتهام خود را نسبت به اشخاص عالی رتبه، که مرتکب بزهکاری شده‌اند نشانه رود میل و رغبت بیشتری برای وارد نمودن افراد عادی به دستگاه عدالت کیفری دارد با این توضیح که دستگاه عدالت برای اینکه بتواند مانورهای کیفری خود را بهتر، راحت‌تر و آسان‌تر و بدون نظارت انجام دهند تمایل دارد افراد عادی جامعه را در وارد دستگاه عدالت کیفری نماید و افرادی که دارای جایگاه دولتی یا به عبارتی از افراد حکومتی هستند در فرض ارتکاب جرم با آنها برخورد نشده و یا با مامشات رفتار می‌شود و این بزرگترین چالش در خصوص ایراد اتهام محسوب می‌گردد. این موضوع را

1. General justice.

می‌توان به خوبی حتی در قوانین آیین دادرسی کیفری مشاهده نمود. برای نمونه افراد عالی رتبه، شامل روسای قوای سه‌گانه؛ معاونان و مشاوران رئیس و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، اعضای شورای نگهبان و سایر افراد دیگر از قبیله مشاوران وزیر فرمانداران و سایر افراد دیگر در استان تهران^۱ و یا مراکز استان^۲ رسیدگی می‌شود که این خود یک رسیدگی افتراقی در مرحله ایراد اتهام است. این موضوع به خوبی نشان می‌دهد که دستگاه عدالت کیفری تمایل دارد با افراد عالی‌رتبه و صاحب منصب به شیوه دیگری (که می‌تواند واجد وصف تسامح و تساهل باشد) برخورد نماید. ژان ژاک روسو، حقوق‌دان فرانسوی می‌گوید: «برای کشف بهترین قوانینی که به درد ملل بخورد، یک عقل کل لازم است که تمام شهوات انسانی را ببیند، ولی خود هیچ احساس نکند، با طبیعت هیچ رابطه‌ای نداشته باشد، ولی کاملاً آن را بشناسد، سعادت او مربوط به ما نباشد، ولی حاضر باشد به سعادت ما کمک کند.» (رسو، ۱۳۹۹: ۱۲۰) البته در همین جا لازم به ذکر است

۱. ماده ۳۰۷ قانون آیین دادرسی کیفری اذعان می‌دارد: «رسیدگی به اتهامات روسای قوای سه‌گانه و معاونان و مشاوران آنان، رئیس و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، اعضای شورای نگهبان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و خبرنگار رهبری، وزیران و معاونان وزیران، دارندگان پایه قضائی، رئیس و دادستان دیوان محاسبات، سفیران، استانداران، فرمانداران مراکز استان و جرائم عمومی افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر و یا دارای درجه سرتیپ دومی شاغل در محلهای سرلشکری و یا فرماندهی تیپ مستقل، مدیران کل اطلاعات استانها، حسب مورد، در صلاحیت دادگاههای کیفری تهران است، مگر آنکه رسیدگی به این جرائم به موجب قوانین خاص در صلاحیت مراجع دیگری باشد.» تبصره ۱- شمول این ماده بر دارندگان پایه قضائی و افسران نظامی و انتظامی در صورتی است که حسب مورد، در قوه قضائیه یا نیروهای مسلح انجام وظیفه کنند. تبصره ۲- رسیدگی به اتهامات افسران نظامی و انتظامی موضوع این ماده که در صلاحیت سازمان قضائی نیروهای مسلح می‌باشد، حسب مورد در صلاحیت دادگاه نظامی یک یا دو تهران است.

۲. رسیدگی به اتهامات مشاوران وزیران، بالاترین مقام سازمانها، شرکتها و موسسه‌های دولتی و نهادها و موسسه‌های عمومی غیر دولتی، مدیران کل، فرمانداران، مدیران موسسه‌ها، سازمانها، ادارات دولتی و نهادها و موسسه‌های عمومی غیر دولتی استانها و شهرستانها، روسای دانشگاهها و مراکز آموزش عالی، شهرداران مراکز شهرستانها و بخشداران، حسب مورد، در صلاحیت دادگاههای کیفری مرکز استان محل وقوع جرم است، مگر آنکه رسیدگی به این اتهامات به موجب قوانین خاص در صلاحیت مراجع دیگری باشد.

که این موضوع با وضعیت اجتماعی و شخصیت مثبت نباید خلط شود زیرا منظور از توجه به فاکتورهای شخصیتی - اجتماعی این می‌باشد که دستگاه عدالت کیفری، در مرحله ایراد اتهام بررسی نماید که داخل نمودن یک فرد با فاکتورهای شخصیتی - اجتماعی موجود در وی، چه مزایا و معایبی را در پی دارد و در صورتی که مبانی توجیهی ورود فرد به فرایند کیفری ارجح باشد ایراد اتهام صورت گیرد. بنابراین اگر افراد صالح و یا حتی تأثیرگذار در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و... که خدمات شایسته‌ای انجام داده است مرتکب بزه کم اهمیت شود، ایراد اتهام علیه او می‌تواند شخصیت وی را در جامعه مذموم و یا حتی زیر سوال ببرد بنابراین شاید بتوان با ساز و کارهای غیر کیفری به جای ایراد اتهام و تأثیرات منفی آن بر وضعیت فرد، دیگر اهداف حقوق کیفری را برآورده کرد. در همین راستا می‌توان به پرونده «اتهامات» دونالد ترامپ رئیس جمهور سابق آمریکا اشاره نمود که دادستان‌های دیوان عالی به دلیل شرکت وی در انتخاب ریاست جمهوری و چهره وی به عنوان یک شخص سیاسی و به بهانه مصونیت قضایی، رسیدگی به بعضی از اتهامات شخص مذکور را در حالت تعلیق قرار دادند.

(<https://pars.euronews.com/2024/02/29/supreme-court-to-decide-trump-immunity-claim-further-delaying-election-subversion-trial>)

اینجا لازم است که در این خصوص اشاره شود که چشم پوشی از ایراد اتهام نسبت به افراد دارای وضعیت مناسب اجتماعی - فردی مانند آنچه که به طور تطبیقی مورد بحث واقع شد با مبانی فقه اسلامی منافاتی ندارد. به عبارتی پیشنهاد و و رهنمودها در عدم ایراد اتهام نسبت به افرادی که دارای سوابق روشن و درخشان بودند و از موقعیت‌های مثبت و موثری در جامعه برخوردارند در روایات متعدد تبیین شده که همگی حاکی از ضرورت و اهمیت ارزیابی و تناسب در ایراد اتهام با فاکتورهای شخصیتی - اجتماعی است. پیامبر (ص) در این باره فرموده است: «از لغزش‌های افراد با شخصیت و با وجاهت درگذرید». حضرت علی

علیه‌السلام نیز می‌فرمایند: «لغزش‌های افراد آبرومند و مؤمن و باشخصیت را دنبال نکنید»؛ امام سجاد علیه‌السلام در رساله‌الاحقوق خود در بیان حقوق شهروندان در برابر حکومت می‌فرمایند: «واجب است که با مردم به عدالت رفتار کنی و برای آنان همانند پدری مهربان باشی ناآگاهی‌های آنان را چشم‌پوشی کنی و با عجله آنان را مورد کیفر قرار ندهی» در روایت دیگر از حضرت علی علیه‌السلام آمده است: «چه بسا جرایمی که مقدار مجازات آنها فقط هشدار دادن به مجرم است» (عمرانی فر و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۷۸). در مقام جمع‌بندی در این گفتار باید اذعان کرد ایرادِ اتهام با توجه به الگوهای شخصیتی-اجتماعی به معنی درگذشتن از صاحبان قدرت و سیاست نیست بلکه صرفاً اتخاذ تمهیداتی در مرحله ایرادِ اتهام برای صرف نظر نمودن از ورود افراد سالم و مثبت و مؤثر به دستگاه عدالت کیفری جهت حفظ همان روحیه سابق در افراد است. باید افزود از دیگر مواردی که حاصل تغییر دیدگاه‌ها به قوانین کیفری و در نتیجه تغییر نقش مقام تعقیب است توجه به اقدامات سازنده و موثر و مثبت افراد در مرحله ایرادِ اتهام می‌باشد. به این معنی که قانون می‌تواند ایرادِ اتهام را به تشخیص و صوابدید مقام تعقیب موکول کند. با توجه به محسوب شدن دادستان‌ها به قوه مجریه لازم است اختیارات خود را از بخش اجرایی دولت تحصیل کنند. بنابراین در حوزه وظایف و صلاحیت‌های خود می‌بایست در مورد اینکه آیا اتهامات مطرح بکنند یا چه نوع اتهاماتی را مطرح نمایند تصمیم بگیرند. پس مقام تعقیب در نظام تعقیبی مدیریت مدار از اصل صوابدید تعقیبی بهره می‌برد. این صوابدید در تمامی پرونده‌های کیفری بایستی از طرف دادستان مورد توجه قرار گیرد. (موذن‌زادگان و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۷۷)

۲. ایرادِ اتهام در یک مدل مطلوب

در راستای امکان‌سنجی تأسیس مرحله ایرادِ اتهام در یک مدل مطلوب، نویسندگان بعد از بررسی حقوق انگلستان چهار عامل را موثر می‌دانند که در ذیل این فصل به ترتیب (۱) توجه

به قابلیت حقوقی ایراد اتهام؛ ۲) توجه به قابلیت سیستمی ایراد اتهام؛ ۳) توجه به قابلیت توان بخشی ایراد اتهام؛ ۴) توجه به قابلیت محکومیت ایراد اتهام، به طور جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲- ۱. توجه به قابلیت حقوقی ایراد اتهام

انتظارات جامعه و تاثیرات که جرم در افکار عمومی بر جای نهاد است نمی‌تواند از دیدگاه مراجع ارزیابی کننده دور باشد زیرا در بسیاری از موارد مراجع قضایی سعی بر این دارند تا منافع عمومی را تامین نمایند و به خواسته‌ها و انتظارات و اراده اجتماعی احترام بگذارند. بنابراین سیستم عدالت کیفری در مواردی مجری تمایلات عمومی در مبارزه با پدیده بزهکارانه و متولی جلب رضایت و مصالح اجتماعی است. بنابراین این موضوع لازم می‌دارد که سیستم عدالت کیفری در تصمیم‌گیری‌های خود به قضاوت جامعه نیز توجه اساسی داشته باشد و حساب افراد شرور را از افرادی که به طور اتفاقی مرتکب جرم شده‌اند جدا نمایند و شدت و ضعف و حساسیت‌های اجتماعی به بزهکاری را مدنظر قرار دهد. البته باید توجه داشت که سیستم عدالت کیفری نباید صرفاً اندیشه اجتماعی را ملاک عمل خویش قرار دهد. (عمرانی فر و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۶۲) زیرا در صورتی که در این کار افراط شود دچار عوام‌گرایی^۱ خواهد شد که سیستم عدالت کیفری را به عقب برگردانده و از مسیر پیشرفت دور می‌کند. بنابراین لازم است تا دستگاه تقنینی به این موضوعات توجه کند و به این فکر فرو رود که چه قابلیت سیستمی برای یک ایراد اتهام متناسب باید در نظر گرفته شود زیرا فقدان قانون دست قضاات را بسته‌است و اجازه تصمیمات مطلوب و آکادمیک را از آنها سلب و ساقط می‌نماید بنابراین در ابتدا برای ایجاد یک ایراد اتهام به شکل مطلوب علاوه بر خواست سیستم عدالت کیفری و میل عمومی، باید زمینه‌های قانونی آن توسط

1. Populism.

قانون‌گذار مورد عنایت قرار گیرد و در این خصوص کار علمی صورت گرفته و مبانی آن در قانون روشن شود تا قضات هوشمند در این خصوص بتوانند با ابتکار عمل و بهره‌مندی از مبانی قانونی در اجرای ایرادِ اتهام گزینشی به اجرای هر چه بیشتر عدالت بیش از پیش همت گمارند.

منظور از قابلیت حقوقی^۱ ارزیابی آن برای ایرادِ اتهام به این معنی است که به طور کلی منفعی در آغاز فرایند کیفری وجود داشته باشد که ورود فرد به پروسه کیفری را توجیه نماید. بنابراین مطلوب این است که در فرضی که دادستان تشخیص دهد که در ایرادِ اتهام و ورود فرد به پروسه کیفری منفعی متصور نیست از ایرادِ اتهام خودداری نماید در این قسمت باید منافع را به دو بعد فردی و اجتماعی تقسیم‌بندی کرد منظور از منابع فردی پاسخ به سوال در ذهن مقام ایراد کننده اتهام است که آیا ایرادِ اتهام اهداف حقوق کیفری را توجیه می‌کند؟ آیا لازم و ضروری است؟ در فرض مثبت بودن پاسخ تعقیب کیفری آغاز می‌گردد. مورد دوم منافع اجتماعی است. منظور از منافع اجتماعی این است که مقام ایراد کننده بر مبنای قابلیت حقوقی به این سؤال پاسخ دهد که سیستم عدالت کیفری، از ورود فرد به پروسه کیفری چه منفعتی حاصل می‌نماید؟ در صورتی که در ابتدای ایرادِ اتهام تشخیص دهد که در فرضی که متهم وارد پروسه کیفری گردد و در فرض محکومیت چه منفعی بر جامعه وارد می‌شود در غیر این صورت ایرادِ اتهام توجیه نخواهد داشت. در مقام تبیین باید اذعان نمود صرفاً مقام ایراد کننده نباید هر دو ملاک را مورد توجه قرار دهد زیرا صرفاً اگر منفعت باقی باشد ایرادِ اتهام توجیه می‌پذیرد بنابراین جمع هر دو ملاک لازم و ضروری نیست و صرفاً منفعت فردی یا اجتماعی هر کدام می‌تواند ملاک واقع شود.

1. Legal capacity.

۲-۲. توجه به قابلیت سیستمی ایراد اتهام

منظور از قابلیت سیستمی در این مبحث به معنای در نظر گرفتن ظرفیت مشارکت و نقاط قوت و ضعف سازمان‌های دخیل در امر ایراد اتهام و تعقیب است (Safferling, 2001: 17) با این توضیح که مقام ایراد کننده اتهام، قبل از ایراد اتهام فاکتورهای قابلیت سیستمی (از قبیل: زمان، مکان، نیروی انسانی، حجم پرونده‌ها، تخصص و...) مورد بررسی قرار دهند و دریابد که ورود پرونده با وضعیت موجود، چقدر می‌تواند از توان سیستمی دادسرا را درگیر نماید. بنابراین در ابتدای ایراد اتهام، باید توجه داشت که یک پرونده ساده، مانند هجویه^۱ علیه دیگران^۱ یا توهین ساده^۲ همان مقدار نیروی انسانی را درگیر می‌نماید که رسیدگی به اتهام سرقت مسلحانه یا قتل، نیاز به درگیر شدن نیروی انسانی دارد. بنابراین ورود بی‌رویه پرونده‌ها از طریق ایراد اتهام توسط مقام ایراد کننده و از آن طرف عدم قابلیت سیستمی دستگاه عدالت کیفری می‌تواند بسیار خطرناک باشد از این جهت که ورود پرونده‌های کم اهمیت، موجب از کار افتادن توان سیستمی دستگاه عدالت کیفری و در نهایت تورم پرونده‌های کیفری^۳ و عدم رسیدگی متناسب نسبت به پرونده‌های مجرمانه پیچیده و مهم می‌گردد. بنابراین بسیار حائز اهمیت است که مقام ایراد کننده اتهام در ابتدا توان سیستمی مجموعه خود را شناخته و سپس با ارزیابی جمیع جهات دست به ایراد اتهام زده و پروسه کیفری را آغاز نماید. لازم به ذکر است که تورم پرونده‌های کیفری، با تورم کیفری، اگرچه که در ظاهر مشابهت دارند اما در حقیقت باید اشاره کرد که تورم پرونده‌های کیفری

۱. ماده ۷۰۰ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اشعار می‌دارد: «هر کس با نظم یا نثر یا به صورت کتبی یا شفاهی کسی را هجو کند و یا هجویه را منتشر نماید به حبس از ۱۵ روز تا سه ماه محکوم می‌شود.» اصلاحی قانون کاهش حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹.

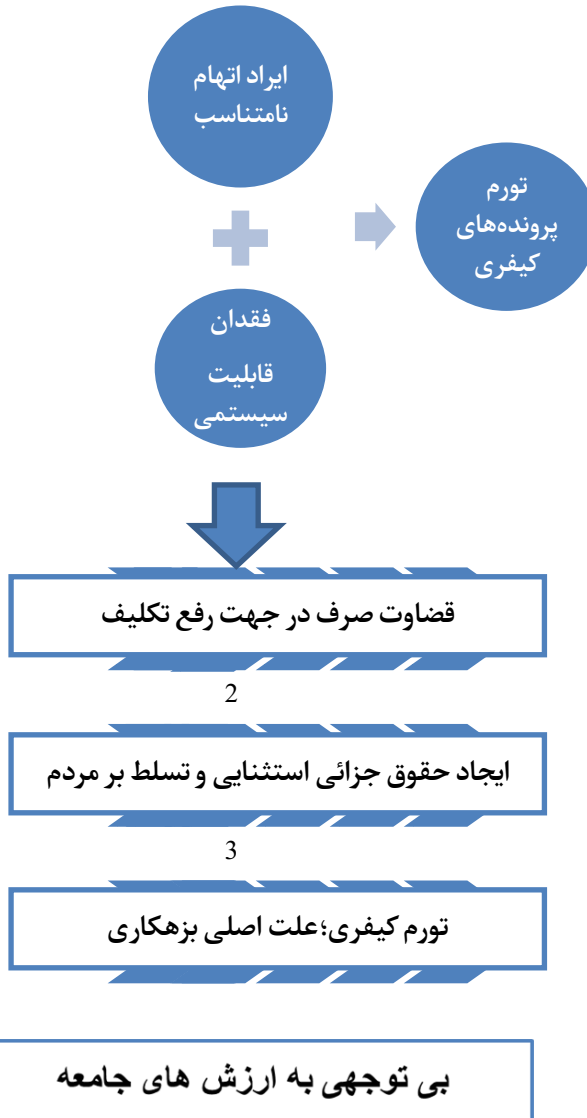
۲. ماده ۶۰۸ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اشعار می‌دارد «توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک چنانچه موجب حد قذف نباشد به مجازات موجب مجازات جزای نقدی درجه شش خواهد بود.» اصلاحی قانون کاهش حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹.

3. Criminal inflation.

ناشی از تورم کیفری است با این توضیح که امروزه متأسفانه در نظام کیفری بسیاری از کشورها عناوین مجرمانه‌ای بسیار زیادی وجود دارد که از آن به عنوان تورم کیفری یا عنوان سازی کیفری، یاد میشود از همین نظر کشور ایران هم از این موضوع مستثنی است. تورم کیفری باعث می‌شود زمینه ایرادِ اتهام فراهم شود زیرا تا زمانی که رفتاری جرم انگاری نشود، امکان ایرادِ اتهام وجود ندارد. در بیست سال اخیر در ایران بیش از ۲۷۰ فقره مقررات کیفری از سوی مراجع مختلف به تصویب رسیده است به طوری که به اعتقاد برخی در حال حاضر بیش از ۴ هزار عنوان مجرمانه و به اعتقاد برخی دیگر بیش از ۳۲۰۰ عنوان مجرمانه در مجموعه قوانین کیفری کشور ایران یاد می‌شود. (عامری، ۱۳۹۷: ۲۳)

ناگفته نماند که عدم ایرادِ اتهام و صرف نظر از ورود پرونده‌ها و اتخاذ تصمیم غیر کیفری بر مبنای وضعیت سیستمی و عدم قابلیت دستگاه عدالت کیفری توجیه کننده چشم پوشی از بزهکاری نمی‌باشد و صرفاً این موضوع را به مقام تعقیب هشدار می‌دهد که از ایرادِ اتهام بلاوجه، و غیر متناسب با وجود شرایط خاص، نسبت به افراد و وضعیت‌های موجود در جامعه خودداری نماید. چراکه ایراد نامتناسب به علاوه فقدان قابلیت سیستمی مساوی است با تورم پرونده‌های کیفری که منتج به مشکلاتی از قبیل، قضاوت صرفاً برای رفع تکلیف، ایجاد حقوق جزائی استثنایی و تسلط بر مردم، تورم کیفری علت اصلی بزهکاری :

بی توجهی به ارزش‌های جامعه جدول ذیل را می‌توان به این شکل نشان داد:



از لحاظ بررسی تطبیقی در حقوق بین‌المللی لازم به ذکر است که رویه بررسی پرونده‌ها از لحاظ قابلیت سیستمی در دیوان بین‌المللی کیفری (ICC) مورد عنایت قرار گرفته است و در ابتدا دادستان باید پرونده را از لحاظ قابلیت سیستمی مورد بررسی قرار دهد و ببیند که

آیا قابلیت ایرادِ اتهام وجود دارد یا خیر. با وصف جدی بودن همه جنایات در صلاحیت دیوان، این مرجع قضایی به دلیل محدودیتهای مالی، انسانی و اجرایی قادر به تعقیب همه جنایات نیست و بدین سبب در راستای اصل موقعیت داشتن تعقیب، با اعمال قواعدی، ناگزیر از گزینش مهمترین و شدیدترین آنها است. اصطلاح «آستانه شدت» مقرر در ماده ۱۷ (۱) (د) اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری شاخصی است که تعیین می‌کند که دیوان باید از رسیدگی به پرونده‌هایی که از اهمیت و شدت کافی برای توجیه آغاز پروسه کیفری و صرف هزینه و وقت و استفاده از نیروی انسانی برخوردار نیستند یا به عبارتی قابلیت سیستمی محدود می‌باشد خودداری کند. در همین راستا می‌توان به نحوه ایرادِ اتهام و گزینش پرونده در دیوان بین‌المللی کیفری اشاره کرد در همین راستا دادستان از میان پرونده‌های دارای معیارهای داخل در صلاحیت دیوان، برای پذیرش در وضعیت‌های ارجاعی، پرونده‌هایی را در اولویت ایرادِ اتهام قرار می‌دهد که از لحاظ قابلیت سیستمی انجام یک تحقیق و تعقیب موفق و موثر همراه با چشم اندازی معقول برای محکومیت وجود داشته باشد. ارزیابی این موضوع در ابتدای ایرادِ اتهام بر اساس راهبردهای شناخته شده و معیارهای عملی نظیر وضعیت ادله ابرازی، دورنمای همکاری‌های بین‌المللی، ظرفیت اجرای تحقیقات در یک دوره زمانی معقول با در نظر گرفتن موقعیت امن منطقه و توانایی حفاظت از اشخاصی که در نتیجه همکاری با دادستانی در معرض خطر هستند، امکان دستیابی متهمان و نیز ظرفیت تامین امنیت متهمان دستگیر شده و زندانی ارزیابی و انجام خواهد شد. (عمرانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۵۴)

۲-۳. توجه به قابلیت توان بخشی ایرادِ اتهام

نگرش‌های بدبینانه‌ای که در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی در خصوص کارکرد اصلاحی واکنش‌های کیفری متولد شدند، موجی از ناامیدی و سرخوردگی را میان اندیشمندان و دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری به وجود آوردند. پس از تجربه پرهزینه

نظام اصلاح و درمان و سپس، شکست در تحقق اهداف ادعایی، اندک اندک این اعتقاد در حال شکل‌گیری بود که مجازات نمی‌تواند زمینه را برای اصلاح بزهکار فراهم آورد. این ناامیدی بیش از هر چیز مرهون طرح این پرسش بود که آیا اساساً تحقق هدف بلندپروازانه‌ای نظیر اصلاح که مستلزم دگرگونی در نظام هنجاری ذهنی مجرم است، از طریق تحمیل واکنش‌های سرکوبگرانه امکان‌پذیر است؟ به تعبیر دیگر چگونه می‌توان از طریق تحمیل واکنش‌های کیفری خشن نظام ارزش‌گذاری ذهنی مجرمین را دگرگون ساخت؟ به رغم این بدبینی‌های گسترده تجربه برخی کشورهای غربی در همین زمان نشان داد که تغییر در نظام ارزش‌گذاری ذهنی بزهکاران یک آرمان غیر قابل دسترس نیست. بلکه می‌توان از طریق به‌کارگیری سیاست‌هایی که توانایی شناختی بزهکار و نیز سبک زندگی او را نشانه رفته به این هدف بلندپروازانه دست یافت و بعضاً رسیدن به این مهم گاهی به جای اعمال مجازات در چشم‌پوشی از بزهکاری و اعمال فرصت دوباره به بزهکار نهفته شده است. موضوعی که از آن تحت عنوان «قابلیت توان‌بخشی»^۱ بزهکار یاد می‌گردد. قابلیت توان‌بخشی حالتی است که امکان دارد با توجه با وضعیت بزهکار، گاه با مجازات و یا گاه با صرف نظر کردن از اعمال مجازات و با تصمیمات غیر کیفری محقق گردد. بسیاری از تحقیقات در حوزه اثرگذاری مجازات‌ها ثابت کرده در برخی از جرائم، به ویژه جرائم خرد^۲ ایراد اتهام و آغاز پروسه کیفری نه تنها سودمند نیست بلکه خود می‌تواند زمینه‌های آغاز یک شخصیت بزهکارانه را در فرد فراهم نماید. (جمشیدی و نوریان، ۱۳۹۲: ۹۶). در یک سیاست جنایی مطلوب و کارآمد مسئولان قضایی با وجود شرایطی از آغاز پروسه کیفری نسبت به برخی از متهمان به دلایلی از جمله آثار سوء زندان، آلوده شدن متهم به محیط جرم‌زای زندان و ایجاد حس انتقام‌جویی او از جامعه و ... و همچنین توجه

1. Rehabilitation ability.

2. petty crimes.

به این مهم که ایراد اتهام نمی‌تواند در آینده متمر ثمر واقع گردد همچنین در راستای ترمیمی نمودن بزهکاری و آثار سوء آن بر جامعه مقام قضایی ایراد کننده اتهام می‌تواند علی‌رغم وجود دلایل اثبات کننده ارتکاب بزه از ناحیه مرتکب بزهکاری از آغاز پروسه کیفری علیه او اجتناب ورزد.

از جمله موضوعاتی که مقام قضایی ایراد کننده اتهام، در بدو تصمیم برای ورود فرد به پروسه کیفری باید مورد توجه قرار دهد (در کنار دو موردی که در گفتارهای پیش مورد بحث قرار گرفت) قابلیت توانبخشی است. اگر نویسنده بخواهد تعریفی از قابلیت توانبخشی ارائه دهد، منظور تاثیر ایراد اتهام بر جنبه‌های اصلاحی و بازپرورانه مرتکب می‌باشد با این توضیح که مقام قضایی ایراد کننده اتهام با بررسی پرونده شخصیت فرد به این نتیجه برسد که آیا ایراد اتهام می‌تواند قابلیت توانبخشی داشته باشد یا خیر؟! بنابراین در فرضی که توانبخشی با جنبه‌های غیر کیفری قابل اعمال باشد ایراد اتهام سودمند واقع نمی‌گردد در نهایت می‌توان با عدم ایراد اتهام و با تصمیم متناسب در جهت توانبخشی به اهداف حقوق کیفری نائل آمد. برای مثال ماده ۷۱۶ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در فرضی که فردی در اثر بی احتیاطی در امر رانندگی موجب ایراد صدمه بدنی غیر عمدی گردد را مشمول حبس از یک ماه تا سه ماه دانسته است که این موضوع به نظر می‌رسد با تصمیم قضایی مبنی بر تعلیق گواهینامه رانندگی با مدت مشخص امکان پذیر خواهد بود. در حقوق کشور فرانسه به موجب بند دوم ماده ۱ - ۴۱ آ.د.ك، دادستان می‌تواند با صرف نظر نمودن از ایراد اتهام، مرتکب جرم را به يك مرکز درمانی - اجتماعی یا حرفه‌ای هدایت

۱. ماده ۷۱۶ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) [اصلاحی ۱۳۹۹/۲/۲۳] - هرگاه یکی از جهات مذکور در ماده (۷۱۴) موجب صدمه بدنی شود که باعث نقصان یا ضعف دائم یکی از منافع یا یکی از اعضای بدن شود و یا باعث از بین رفتن قسمتی از عضو مصدوم گردد، بدون آنکه عضو از کار بیافتد یا باعث وضع حمل زن قبل از موعد طبیعی شود مرتکب به حبس از یک ماه تا سه ماه و پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه مصدوم محکوم خواهد شد.

کند، این تدابیر می‌تواند شامل انجام اعمالی به هزینه خود شخص در مراکز کارآموزی یا آموزش در یک واحد یا ارگان بهداشتی، اجتماعی یا حرفه‌ای و به ویژه در یک دوره کلاس شهروندی باشد؛ از سوی دیگر، چنانچه ارتکاب جرم از طریق رانندگی وسایل نقلیه موتوری صورت گرفته باشد. این تدبیر می‌تواند به هزینه شخص از طریق گذراندن یک دوره کارآموزی برای حساس کردن او نسبت به امنیت راه و جاده صورت بگیرد. بدیهی است نوع تدبیر استفاده شده باید با جرم ارتكابی رابطه‌ای مستقیم داشته باشد و در واقع تدبیر مذکور باید رفع کننده حالت یا شرایطی باشد که شخص را به سوی ارتكاب جرم تحریک نموده است. (Jorg and Brants, 2012: 56)

در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه به موجب ماده ۱-۴۰ مقرر شده است که اگر دادستان معتقد باشد که اعمال ارتكابی جرم است و منع قانون برای آغاز پروسه کیفری وجود ندارد، دادستان براساس اوضاع و احوال و شرایط سه نوع تصمیم می‌تواند اتخاذ کند: نخست تعقیب دعوای عمومی را آغاز می‌کند. این حالت بیان کننده تعقیب دعوای عمومی از طریق شیوه رایج در دادسراست. در واقع از این روش می‌توان به عنوان شیوه رسمی تعقیب دعوای عمومی یاد کرد. دوم، دادستان در مسیر اجرای مواد ۱-۴۱ و ۲-۴۱ به یک دادرسی جایگزین ایراد اتهام مبادرت می‌کند. از این شیوه به عنوان «جایگزین‌های آغاز دعوای عمومی»^۱ تعبیر شده است. دادستان با توجه به مصالح و منافع عمومی و تضمین حقوق بزه دیده از شیوه‌هایی استفاده می‌کند. سوم، در صورتی که احوال خاصی ارتكاب جرم را توجیه کند، دادستان می‌تواند پرونده مربوط را بایگانی کند. بنابراین چنانچه ملاحظه می‌شود، دادستان در ارزیابی آغاز پروسه کیفری کاملاً آزاد است و با تناسب برداشتی که از موضوع و پرونده دارد، تصمیم مناسب و شایسته اتخاذ می‌کند. (کوشکی، ۱۳۸۸: ۳۳۳). لازم به ذکر است که بررسی قابلیت توانبخشی در بزهکار

1. Alternatives to starting a civil lawsuit.

و تصمیم برای آغاز پروسه کیفری با توجه به فاکتور موصوف از ناحیه مقام ایراد کننده اتهام، آنقدر مهم است که در صورتی که مقام قضایی به این فاکتور توجه نکند احتمال دارد اهداف حقوق کیفری که همانا اصلاح و بازپروری در صدر آن می باشد، محقق نگردد بنابراین دست دادستان در ایراد اتهام باید باز گذاشته شود تا در ابتدای پروسه کیفری در صورت تشخیص عدم قابلیت توانبخشی با ایراد اتهام، از آغاز پروسه کیفری صرف نظر نماید و به طریق دیگری درصد ایجاد جنبه های اصلاحی و بازپروری باشد کما این که از اصلی ترین اختیارات دادستان در اصول حقوق کیفری آغاز پروسه کیفری یا همان ایراد نام برده شده است. (Campbell, 2000: 92). کوتاه سخن در قالب جمع بندی در این بحث توجه به قابلیت توان بخشی در ابتدای ایراد اتهام باید اذعان نمود؛ توان بخشی یا اعاده حیثیت متهم، با هدف ارزیابی بهترین راهکار در راستای منافع متهم، امکان بازنگری مسیرها و راهکارهای قبل از محاکمه و یا اصلاح و تربیت متهم بدون حکم محکومیت است. (Pavlich, 2016: 43).

۲-۴. توجه به قابلیت محکومیت ایراد اتهام

از جمله مواردی که می تواند به عنوان یک الگوی مطلوب در جهت ایراد اتهام متناسب معرفی شود، توجه به فاکتور «قابلیت محکومیت»^۱ است. منظور از قابلیت محکومیت این است که مقام قضایی در ابتدای ایراد اتهام با یک معیار ذهنی درصد به نتیجه رسیدن پرونده را تشخیص دهد و در انتها به این نتیجه برسد که ایراد اتهام می تواند سودمند واقع گردد یا خیر. در واقع در کنار قابلیت محکومیت، مقام قضایی باید این موضوع را در نظر بگیرد که صرف نظر کردن از ایراد اتهام باعث ورود ضرر نشود. زیرا اگر چه امکان دارد یک پرونده قابلیت محکومیت، به دلایلی مانند متواری شدن متهمین، امحاء اسناد و مدارک کاشف جرم، تهدید شهود به عدم شهادت و ... ضعیف باشد اما صرف نظر نمودن از ایراد اتهام، می تواند موجبات ضرر بزرگ تری را فراهم نماید. در خصوص توجه به عنصر ضرر در پروسه

1 . Ability to convict.

کیفری امروز بسیار حائز اهمیت است. در عصر حاضر با بررسی بسیاری از سیستم‌های عدالت کیفری، غیر از سیستم‌های عدالت کیفری که در آن ایدئولوژی‌های مذهبی داخل در مبنای جرم انگاری شده است مبنای اصلی جرم انگاری «ضرر»^۱ می‌باشد. Redmayne (2010: 112). این موضوع در حالی است که در سده‌های پیشین مبنای ارزش‌های مشترک توجیه‌گر جرم‌انگاری بسیاری از اعمال بر ضد دین، اخلاق و عفت عمومی^۲ در همین راستا در قوانین جزایی کشورهای اروپایی از جمله، آلمان، انگلستان، فرانسه و ... بسیاری از اعمالی که بر ضد اخلاق و عفت عمومی جرم زدایی شد و اگر هم اعمال بر ضد اخلاق و عفت عمومی در پاره‌ای از موارد خاص جرم تلقی می‌شود بر مبنای ضرر جرم انگاری شده است نه بر مبنای ارزش‌ها و اخلاقیات مشترک. به طور مثال اعمال ضد اخلاقی در صورتی که با رضایت صورت گیرد جرم نیست اما اگر همین اعمال با اجبار و خشونت و در فرض عدم رضایت واقع شوند جرم تلقی می‌شود و مبنای جرم انگاری در حالت ضرر جسمی و روحی وارده بر مجنی علیه هستند و اگر همین اعمال ضد اخلاقی در معابر و مراکز عمومی رخ دهد به علت برهم خوردن نظم و آسایش عمومی جرم تلقی می‌شود. بنابراین مبنای جرم انگاری در هر دو حالت ضرر است. با پذیرش مبنای ضرر به عنوان مبنای حاکم بر جرم، دایره حقوق کیفری کوچکتر و حوزه آزادی‌ها و حقوق فردی و شهروندی گسترده‌تر از گذشته خواهد شد. (Reichel, 1999: 81)

قابلیت محکومیت یک فاکتور کلی است که باید در تمامی مراحل پروسه کیفری مورد توجه قرار گیرد. متأسفانه در بسیاری از سیستم‌های عدالت کیفری، شکایت شاکی مبنایی برای ایراد اتهام و شروع تعقیب کیفری است. ماده ۱۶۸ از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «بازپرس نباید بدون دلایل کافی برای توجه اتهام کسی را به عنوان متهم احضار یا جلب کند. تخلف از مقررات این ماده موجب محکومیت انتظامی تا درجه ۴

1 . Damage.

2 . public modesty.

است» منظور از دلایل کافی در این ماده مشخص نیست برخی حقوق دانان در پاسخ به این سوال که دلایل کافی برای احضار کدام است گفته‌اند: «عمل مجرمانه‌ای که به کسی نسبت داده می‌شود باید مستند به قرائنی باشد که دست کم احتمال ارتکاب آن از جانب وی داده باشد.» (خالقی، ۱۳۹۴: ۱۶۱) اما آنچه امروزه در نظام آغاز پروسه کیفری حاکم می‌باشد این است که اولین کاری که پس از اعلام شکایت ب دستور قضایی به پاسگاه انتظامی انجام می‌شود احضار متهم می‌باشد و ظاهراً هیچ دلیل دیگری جز شکایت شاکی برای احضار متهم وجود ندارد. اینکه گاهی به محض وصول شکایت و یا اعلام جرم دستور احضار متهم و بازجویی صادر می‌شود با موازین حقوق بشر و مقررات عمومی سازگار نیست. رعایت اصل برائت می‌طلبد تا زمانی که ادله کافی جمع‌بندی نشده است تصمیم برای ایرادِ اتهام یا صرف نظر از آن در دستور کار قرار نگیرد. (Hacking, 2001: 91) از لحاظ بررسی تطبیقی بحث، در قواعد حقوق بین‌المللی، باید اذعان نمود؛ در دیوان بین‌المللی کیفری در فرضی که دادستان راساً وضعیتی را بررسی می‌کند و به مبنایی قابل قبول برای ادامه تعقیب نمی‌رسد، به لحاظ مقتضی نبودن تعقیب، قبل از ورود به مرحله تحقیقات مقدماتی و آغاز تعقیب یا به عبارتی در مرحله ایرادِ اتهام، اختیار بایگانی کردن پرونده را دارد. اما چنانچه به پذیرش موضوع و مداخله دیوان عقیده داشته باشد، آغاز تحقیقات مقدماتی و تعقیب متهم منوط به اجازه شعبه مقدماتی است؛ با موافقت شعبه، دادستان مطابق قاعده الزامی بودن تعقیب مکلف به ادامه تعقیب است و در صورتی که شعبه شروع تحقیق و تعقیب را مناسب نداند، پرونده بایگانی خواهد شد. البته دادستان حق اعتراض به نظر شعبه مقدماتی نزد شعبه تجدیدنظر دیوان را دارد.

تورم پرونده‌های کیفری ایجاب می‌کند که مقام قضایی ایراد کننده اتهام، از اختیاراتی برخوردار باشد تا بتواند تصمیم بگیرد که از میان انبوه پرونده‌های کیفری کدام مورد را به محکمه ارسال و کدام یک را به شیوه‌های برون محکمه‌ای حل و فصل نماید. بی تردید الزام مطلق مقام قضایی به این موضوع که هر شکایتی از طریق دروازه عدالت کیفری یا همان

ایراد، وارد سیستم عدالت کیفری شود نمی‌تواند این امر را محقق سازد. بنابراین باید پذیرفت که مقام قضایی ایراد کننده اتهام، برای جلوگیری از تراکم پرونده‌های کیفری نیاز دارد تا تا بتواند بعضی از پرونده‌ها را در مرحله ایراد اتهام، مختومه نماید: Tak, PJP, 1986: 190). لازم به ذکر است که نقش دادستان‌ها به عنوان هدایت‌گر دروازه‌های عدالت کیفری به طور فزاینده‌ای اهمیت یافته و دادستان نقش مهمی را در کمک به کاهش بار پرونده‌های محاکم از طریق گزینشی عمل نمودن تصمیم، برای آغاز ایراد اتهام، ایفا می‌نمایند. در همین جا بد نیست که در این باره به حقوق کشور انگلستان اشاره‌ای گردد. در حقوق کشور انگلستان در آیین نامه اجرای قانون تعقیب جرائم ۱۹۸۵ انگلستان، چنانچه مقام قضایی در ابتدای آغاز پروسه کیفری احتمال دهد که محکومیت متهم منجر به یک مجازات جزئی یا صوری خواهد شد از ایراد اتهام صرف نظر خواهد کرد. (kerley, 2004: 10) در مقام جمع‌بندی نسبت به مطالبی که در این گفتار بیان شد؛ باید اذعان نمود، منظور از قابلیت محکومیت این است که بر اساس ارزیابی نتیجه احتمالی محاکمه، تصمیم به ادامه تعقیب یا معامله اتهام اتخاذ شود. به عبارتی سیستم از نظر عملی یا اثربخشی ارزیابی می‌شود (Safferling, 2001: 174). با توجه به این الگو، مقام قضایی در ابتدای ایراد اتهام با توجه به ادله به دست آمده و یک معادله ذهنی با این تصور که پرونده موجود در نهایت آیا به محکومیت خواهد انجامید یا خیر و همچنین چه مجازات در پی خواهد داشت تصمیم به ایراد اتهام می‌گیرد. در صورتی که به این اقناع برسد که جرم مذکور در روند دادرسی نمی‌تواند قابلیت محکومیت متهم را فراهم نماید و یا این که در فرض محکومیت مجازات بسیار ضعیف و اصطلاحاً منفعتی حاصل نمی‌کند، تعقیب کیفری بدون توجیه و در نهایت ایراد اتهام صورت نمی‌گیرد.

نتیجه‌گیری

بعد از جمع‌بندی پژوهش و در مقام نتیجه‌گیری باید اذعان نمود که تأسیس مرحله ایراد اتهام در حقوق ایران امکان‌پذیر است و می‌تواند موجب پالایش ورودی فرایند کیفری در راستای اعتلای سیستم دادرسی با نتایج؛ جلوگیری از ورود پرونده‌های غیر ضروری، تقویت نیروی انسانی، درگیر نمودن توان کیفری با پرونده‌های مهم، کاهش آمار و رسیدگی آمار و همچنین در یک دیدگاه کلی، پیشگیری از وقوع و تکرار جرم گردد. لکن در ابتدا نیازمند چرخش نظام دادرسی در مرحله دادرسی به سمت اتهامی است تا بتوان مرحله ایراد اتهام را به خوبی پیاده سازی و سپس ملزومات و مدل مطلوب ارائه کرد. در پاسخ به سؤالات پژوهش که در ابتدا مطرح گردید، مواردی شامل؛ دامنه کیفر با میزان مشخص؛ اهمیت سنجی قضایی؛ توجه به فاکتورهای فردی-زیستی و توجه به فاکتورهای شخصیتی - اجتماعی ملزومات تأسیس مرحله ایراد اتهام را تشکیل می‌دهد، همچنین در پاسخ به سؤال بعدی ضمن بررسی حقوق انگلستان و استخراج موارد مطلوب؛ برای پیاده سازی نهاد مذکور؛ مواردی از قبیل؛ توجه به قابلیت حقوقی ایراد اتهام؛ توجه به قابلیت سیستمی ایراد اتهام؛ توجه به قابلیت توان بخشی ایراد اتهام و توجه به قابلیت محکومیت ایراد اتهام، می‌تواند مجموعاً یک مدل مطلوب از ایراد اتهام را در حقوق کیفری ایراد پیاده سازی نماید. در نهایت پیشنهاد می‌گردد قانون‌گذار با توجه به دستاوردهای مؤثر و مهم مرحله ایراد اتهام، در حقوق انگلستان با بازبینی در مقررات دادرسی کیفری، درصدد تأسیس مرحله مذکور در ابتدای فرایند کیفری حقوق ایران برآید.

منابع و مأخذ

منابع فارسی

- امامی، محمد و محمدهادی صادقی (۱۳۷۷). «مصلحت‌گرایی در دادرسی‌های جزایی» **مجله حقوق دادگستری**، سال پنجاهم، شماره بیست و سوم.
- جمشیدی، علیرضا و علیرضا وریان (۱۳۹۲). «متناسب بودن تعقیب کیفری: مفهوم، مبانی و جلوه‌ها در حقوق ایران و انگلستان». **فصلنامه پژوهش حقوق کیفری**، سال اول، شماره سوم.
- خالقی، علی (۱۳۹۷). **آیین دادرسی کیفری**، جلد اول، چاپ پنجم، تهران؛ انتشارات شهر دانش.
- رسو، ژان ژاک (۱۳۹۹). **قرار داد اجتماعی**، ترجمه مرتضی کلاتریان، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات آگه.
- شیداییان، مهدی و یزدان نصرتی (۱۳۹۷). «شناسایی و چالش‌های تعقیب کیفری با نگاهی به حقوق انگلستان»، **فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی قضایی**، سال دهم، شماره هشتاد و دوم.
- عامری، آرزو (۱۳۹۷). «افزایش عناوین مجرمانه به عنوان عامل جرم‌زا در حقوق جزایی و کیفری ایران»، اولین همایش بزرگ مطالعات و پژوهش‌های علمی علوم انسانی، تهران.
- عمرانی فر، عدنان و همکاران (۱۳۹۹). «جایگاه شعبه مقدماتی دیوان بین‌المللی کیفری و امکان‌سنجی پیش‌بینی آن در حقوق ایران»، **فصلنامه علمی پژوهشی حقوق تطبیقی**، دوره چهارم، شماره دوم.
- عمرانی فر، عدنان و همکاران (۱۴۰۳). «ایراد اتهام به افراد؛ علل و پیامدها از منظر مبانی قرآنی و روایی»، **فصلنامه مطالعات قرآنی**، دوره پانزده، شماره پنجاه و ششم.
- عمرانی فر، عدنان و همکاران (۱۳۹۹). «بررسی یک پرونده قتل از منظر حقوق کیفری و مبانی جرم‌شناختی (بررسی موردی: قتل بنیتا)». **فصلنامه قضاوت**، دوره بیست، شماره صد و یکم.
- عمرانی فر، عدنان و محمدرضا زندی (۱۳۹۶). «ممنوعیت یا مقبولیت «تخفیف مجازات» در جرایم مستوجب حد». **فصلنامه قضاوت. دوره هجده، شماره نود**.
- کوشکی، غلام حسین (۱۳۸۷). **بررسی اختیارات و وظایف دادستان در آ.د.ک ایران و فرانسه**، با راهنمایی محمد علی اردبیلی، رساله دکتری، تهران؛ دانشگاه شهید بهشتی.
- گسن، ریموند (۱۳۸۸). «بحران سیاست‌های جنایت کشورهای غربی»، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، **مجلات تحقیقات حقوقی**، سال ده، شماره دهم.
- موذن زادگان، حسنعلی و همکاران (۱۳۹۹). «تأثیرپذیری نظام دادرسی کیفری اتهامی از مقامات تعقیب»، **پژوهشنامه حقوق اسلامی**، سال بیست و یکم، شماره دوم.
- مهر، نسرین و حسن رودسرابی (۱۴۰۰). «مبانی و جلوه‌های قضازدایی پلیسی در نظام حقوق کیفری انگلستان»، **فصلنامه تحقیقات حقوقی**، سال بیست و چهارم، شماره نود و ششم.

References

- Ameri, Arzoo (2017). "Increasing criminal titles as a factor causing crime in Iran's criminal and criminal law", the first major conference of scientific studies and researches in humanities, Tehran, (in Persian)
- Ashworth, Andrew and Redmayne, Mike, (2004). the criminal process, oxford university press, Third Edition.
- Campbell, Elaine, (2000), Prosecution and Diversion: Implementing A Policy Initiative" PhD Thesis. University Of Newcastle Upon Tyne.
- Cushing, Karen (2014), Diversion from Prosecution for Young People in England and Wales : Reconsidering the Mandatory Admission Criteria" Youth Justice, Vol.14.
- Emami, Mohammad and Mohammad Hadi Sadeghi (1377). "Interestism in criminal proceedings" Journal of Justice Law, 50th year, 23rd issue. (in Persian)
- Garner, Bryan. (2009). Black's Law Dictionary, discretion (4), 9 edition. west.
- Gassen, Raymond, (2008). "Crisis of crime policies in Western countries", translated by Ali Hossein Najafi Abrandabadi, legal research magazines, year ten, number ten. (in Persian)
- Guinchard (S), Buisson (J);(2005) "procé dure pé nale"; Litec.
- Hacking, I. (2001). 'Degeneracy, criminal behavior, and looping', in D. Wasserman & R. S. Wachbroit (eds), Genetics and Criminal Behavior. New York : Cambridge University Press, pp. 141-68.
- Hoyle, C. & R. Young, (2000.), New Versions of Crime Victims, Oxford, Hart Publishing.
- <https://parsi.euronews.com/2024/02/29/supreme-court-to-decide-trump-immunity-claim-further-delaying-election-subversion-trial>.
- Jamshidi, Alireza and Alireza Varian (2012). "Proportionality of criminal prosecution: concept, foundations and effects in Iranian and English law". Criminal Law Research Quarterly, first year, third issue. (in Persian)
- Jorg, N; Field, S & Brants, C. (2014). Are Inquisitorial and Adversarial systems converging? In Fennell, P et al . (eds). Criminaal Justice in Europe: A Comparative Study,Oxford, Clarendon Press.

Jasch, Michael (2010). Police And Prosecutions : Vanishing Differences Between Practices In England And Germany, Public Law, The Law Faculty Of The University Frankfurt (Main), Institute of Criminal Justice.

Kerley, Gordon, (2004). Drug Law and Enforcement in Australia and the Netherlands, A case study of comparative criminal law, A Research paper submitted to the Faculty of law, the Australian National university, November 1, law.anu.edu.au/staffuploads/9-kerley.doc.

Khaleghi, Ali (2017). Criminal procedure, first volume, fifth edition, Tehran; Shahr Danesh Publications. (in Persian)

Koshki, Gholam Hossein, (1387). Examining the powers and duties of the prosecutor in Iran and France, with the guidance of Mohammad Ali Ardabili, PhD thesis, Tehran; Shahid Beheshti University. (in Persian)

Mehra, Nasreen and Hassan Roudsarabi (1400). "Fundamentals and effects of police decriminalization in the English criminal justice system", Legal Research Quarterly, year twenty-four, number ninety-six. (in Persian)

moradi, A. (2024). A comparative study of the quality of criminal regulations, with a look at Iranian law and the knowledge of ethics, literature and linguistics. Journal of Research and Development in Comparative Law, 6(21), 139-186.

doi: 10.22034/law.2024.2001199.1273. (in Persian)

Mozenzadegan, Hassan Ali and colleagues. (2019). "The influence of the criminal justice system on prosecution authorities", Islamic Law Research Journal, 21st year, 2nd issue. (in Persian)

noori, S. F., & aghaee, N. (2023). Recognizing the communication model of judge and judicial officer in the criminal system. Journal of Research and Development in Comparative Law, 6(18), 166-142. doi: 10.22034/law.2023.1978351.1206 (in Persian)

Omranifar, Adnan and Mohammad Reza Zandi (2016). "Prohibition or acceptability of "reduction of punishment" in crimes subject to limit". Judgment Quarterly. Period eighteen, number ninety. (in Persian)

Omranifar, Adnan and colleagues (2019). "Study of a murder case from the perspective of criminal law and criminology (case study : Benita's murder)". Judiciary Quarterly, Volume 20, Number 111. (in Persian)

- Omranifar, Adnan and colleagues, (1403). "Accusing people; Causes and consequences from the perspective of Quranic and narrative foundations", *Quranic Studies Quarterly*, Volume 15, Number 56. (in Persian)
- Omranifar, Adnan et al. (2019). "The Position of the Preliminary Branch of the International Criminal Court and its Predictive Possibilities in Iranian Laws", *Scientific-Research Quarterly of Comparative Law*, 4th Volume, 2nd Number. (in Persian)
- Pavlich, George. (2016). 'Apparatuses of criminal accusation'. In George Pavlich and Matthew Unger (eds), *Accusation : Creating Criminals*. Vancouver : UBC Press.
- Pavlich, George. (2018). 'The violent rhetoric of accusation : Cicero and the Marcus Ameleus Scaurus case'. In Joshua Nichols and Amy Swiffen (eds), *Legal Violence and the Limits of the Law*. Abingdon : Routledge, 30-49.
- Raso, Jean-Jacques (2019). *Social Contract*, translated by Morteza Kalantarian, first volume, first edition, Tehran, Age Publications. (in Persian)
- Redmayne, Mike (2010), *The Criminal Process*, Oxford University Press, 4th Edition.
- Reichel . Philip. (1999). *Criminals Justices Systems, A Topical Approach* Sec.Ed. Pearson.
- Safferling, Christoph(2001). *Towards an international criminal procedure*, Oxford university Press.
- Shidaiyan, Mahdi and Yazdan Nosrati (2017). "Identification and challenges of criminal prosecution with a view of English law", *Quarterly Journal of Judicial Legal Perspectives*, Year 10, Number 82. (in Persian)
- Tak, P, J, P, (1986). *the legal scope of Non- prosecution in Europe*, HEUNI, Finland, No 8.